

پیامبری در همین نزدیکی است ...

روزی حضرت سلیمان مورچه ای را در پای کوهی دید که مشغول جابجا کردن خاک های پایین کوه بود.



روزی حضرت سلیمان مورچه ای را در پای کوهی دید که مشغول جابجا کردن خاک های پایین کوه بود. از او پرسید: چرا این همه سختی را متحمل می شوی؟ مورچه گفت: معشوقم به من گفته اگر این کوه را جابجا کنی به وصال من خواهی رسید و من به عشق وصال او می خواهم این کوه را جابجا کنم. حضرت سلیمان فرمود: تو اگر عمر نوح هم داشته باشی نمیتوانی این کار را انجام بدهی. مورچه گفت: تمام سعی ام را میکنم.. حضرت سلیمان که بسیار از همت و پشت کار مورچه خوشش آمده بود برای او کوه را جابجا کرد. مورچه رو به آسمان کرد و گفت: خدایی را شکر می گویم که در راه عشق، پیامبری را به خدمت موری در می آورد...

تمام سعی مان را بکنیم، پیامبری همیشه در همین نزدیکی ست...